

لنین درگذشت

مقدمه ای از یاشار آذری: این مقاله در واقع همان مقاله ی «لنین مرده است» ترجمه ی شادی معصومی که در میلیتانت شماره ی ۵۶، صفحه ۵۵ درج شده بود، هر چند در فهرست نشریه میلیتانت شماره ۵۶ آمده «نوشته ی تروتسکی پس از فوت لنین» ولی جناب آرام نوبخت با عوض کردن عنوان آن به «لنین درگذشت» این ترجمه را هم به خود اختصاص داده است، و این یعنی استفاده از راه و روش استالینیستی، یعنی ابزار پست «دزدی ادبی» برای اهداف پست اشان می باشد. از کی شادی معصومی شده آرام نوبخت؟ حالا کی تغییر جنسیت داده ما نمی‌دونیم. شاید مازیار رازی رهبر دیگر این گرایش بگوید که «این کارها جزو مسائل شخصی افراد است و ربطی به گرایش نداره» و یا باز مانند رازی ادعا کند که «این را من نکردم، حتما این کار را هم یاشار آذری انجام داده.» جلال الخالق!

لینک مقاله در سایت مارکسیست ها در اینترنت، مترجم آرام نوبخت:

<https://www.marxists.org/farsi/archive/trotsky/works/۱۹۲۴/lenin-dargozasht.htm>

لینک نشریه میلیتانت شماره ۵۶، صفحه ۵۵، مترجم، شادی معصومی:

<http://www.nashr.de/۳/n/mt/m۵۶.pdf>

لنین دیگر نیست. قوانین سیاهی که بر کار شریان ها جاریست، زندگی‌اش را از پای درآورده. داروها ناتوانی خود را از به انجام رسانیدن آن چه قویاً امیدش می‌رفت، آن چه قلب میلیون ها نفر از انسان ها می‌طلبید، نشان داده اند. چه شماری از مردم حاضرند بی هیچ تردید و تأملی، تا آخرین قطره خون خود را برای زنده کردن، برای نو ساختن کار شریان های رهبر بزرگ، ایلچ لنین،

یگانه فردی که نمی توان جایگزینی برایش جست، فدا کنند؟ اما جایی که علم ناتوان باشد، معجزه ای رخ نمی دهد. و اکنون لنین دیگر نیست. این واژه ها همچون صخره های غولپیکری که در دریا فرو می ریزد، بر آگاهی ما سقوط می کند.

آگاهی کارگران سرتاسر جهان قادر به درک این حقیقت نیست؛ چرا که دشمن هنوز نیرومند است، راه طولانیست، و کاری عظیم، عظیم ترین کار تاریخ، هنوز پایان نیافته؛ طبقه کارگر جهان به لنین نیاز داشت، آن طور که گویی تاکنون به هیچ کس دیگری در کل تاریخ جهان نیاز نبوده است.

دومین حمله بیماری، که بس شدیدتر از اولی بود، بیش از ده ماه به درازا کشید. شریان ها، بنا به توضیح تلخ پزشکان، پیوسته «بازی می کردند». این یک بازی دهشتناک با زندگی لنین بود. نه فقط بهبود، تقریباً بهبودی کامل، که حتی فاجعه نیز قابل انتظار بود. همه ما انتظار بهبود داشتیم، ولی فاجعه رخ نمود. مرکز تنفس مغز، از ایفای نقش سر باز زد و مرکز ذهن این نابغه بزرگ را خاموش کرد.

و اکنون ولادیمیر ایلیچ دیگر نیست. حزب، یتیم است. طبقه کارگران یتیم است. این همان حسّی بود که از اخبار مرگ معلم و رهبرمان، در ما برخاست. چه گونه پیش خواهیم رفت، چه گونه راه را خواهیم یافت، چه گونه سردرگم خواهیم شد؟ چرا که رفقا، لنین دیگر با ما نیست!

لنین دیگر نیست، ولی لنینیسم جان سختی می کند. جاودانگی در لنین، آموزه او، کار او، روش او، نمونه او، در ما زنده است؛ در حزبی که بنیان نهاد، زنده است؛ در نخستین دولت کارگری که سرپرستش بود و آن را هدایت کرد، زنده است.

قلب ما اکنون زیر خروارها غم و اندوه دفن است، چرا که همه ما، به یمن لطف بزرگ تاریخ، هم دورهٔ نئین به دنیا آمدیم، با او کار کردیم، و از او آموختیم. حزب ما نئینیسیم است در پراتیک، حزب ما رهبری جمعی کارگران است. در هر یک از ما، پارهٔ کوچکی از نئین حیات دارد، چیزی که بهترین پارهٔ هر یک از ماست.

چه گونه ادامه خواهیم داد؟ با چراغ نئینیسیم در دستمان. چه گونه راه را خواهیم یافت؟ با خرد جمعی، با ارادهٔ جمعی حزب راه را خواهیم یافت! و فردا، و پس فردا، برای یک هفته، یک ماه، خواهیم پرسید که آیا نئین واقعاً مرده است؟ چرا که تا مدت ها مرگ او برای ما همچون خودرأیی و استبداد ناممکن و وحشتناک طبیعت جلوه خواهد کرد.

شاید دردی که احساس می کنیم، دردی که هر بار وقتی فکر می کنیم که نئین دیگر نیست، خنجر به قلب ما فرومی آورد، برای هر یک ما یک سرزنش، یک هشدار، یک درخواست باشد: مسئولیت شما افزایش یافته. لایق رهبری باشید که شما را آموخت!

با وجود حزن، اندوه و پریشانی، ما صفوف و قلب های خود را با یک دیگر پیوند می زنیم؛ ما بیش از پیش برای مبارزات نوین متحد می شویم. رفقا، برادران، نئین دیگر با ما نیست. بدرود ایلیچ! بدرود رهبر!

تروتسکی

ایستگاه تفلیس، ۲۲ ژانویه ی ۱۹۲۴

ترجمه: آرام نوبخت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۵